

# کسی است

سرشناسه: آرپازداد، سیدمحمد، ۱۳۴۱ - گردآورنده، ویراستار  
عنوان و نام پدیدآور: فریادها بی ژ زندگی امیرسلطانگر شهید ناصر حبیبی زهام / تهیه و تولید معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران  
خراسان رضوی؛ مجری طرح اداره هنری، اسناد و انتشارات بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی؛ گردآوری و بازنویسی، ویراستار سیدمحمد  
آرپازداد.

مشخصات نشر: مشهد: نشر ایمان پور، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۴ ص. - مصور (رنجی): ۱۱ × ۱۷ س. م.

فهرست: ایثارنامه (مجموعه یادنامه شهدای شاخص خراسان رضوی)؛ ج. ۱؛ ص. ۷۲.

شابک: ۵۰۰۰۰ ریال، 978-622-6608-59-6

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: مخبری، غلامرضا. ۱۳۴۰-۱۳۴۶.

موضوع: شهیدان -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع: Martyrs -- Iran -- Biography

موضوع: شهیدان -- ایران -- شهید -- یارماندگان -- خاطرات

موضوع: Martyrs -- Iran -- Mashhad -- Survival -- Diaries

شناسه افزوده: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان خراسان رضوی. معاونت فرهنگی و امور اجتماعی

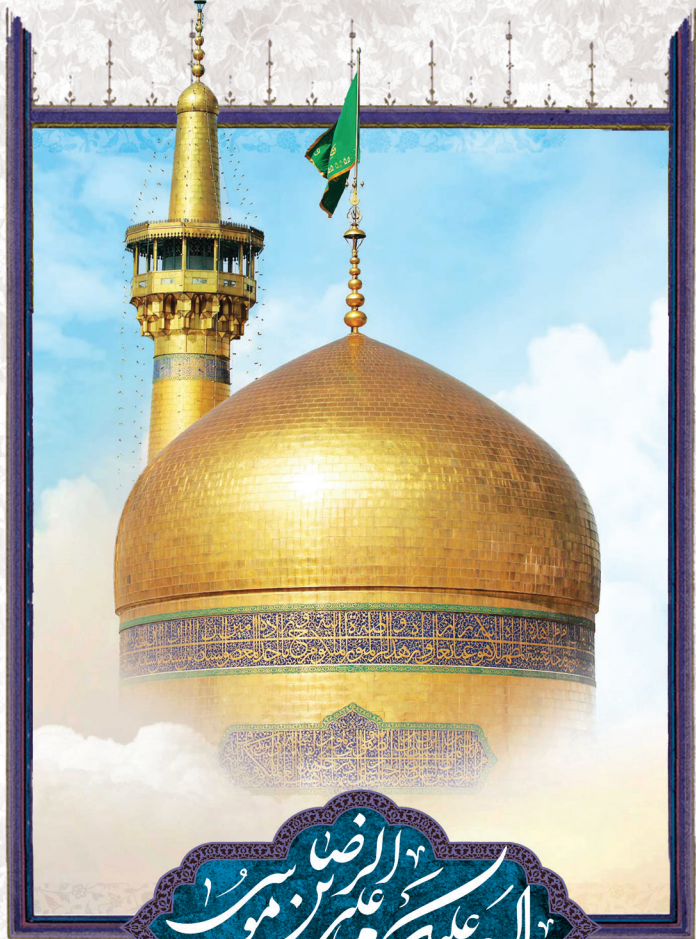
شناسه افزوده: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان خراسان رضوی. اداره هنری، اسناد و انتشارات

شناسه افزوده: ایثارنامه (مجموعه یادنامه شهدای شاخص خراسان رضوی)؛ ج. ۱؛ ص. ۷۲.

رده بندی کنگره: DSR A۶۱

رده بندی دیویی: ۲۹۵۵/۰۸۴۴-۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۶۸۹۸۴۱



عَلَيْهِ السَّلَامُ  
وَالرِّضَا  
وَالْحَسَنِ  
وَالْحُسَيْنِ  
وَالْجَنَّةِ  
وَالْجَنَّةِ  
وَالْجَنَّةِ



ایثارنامه



مجموعه

عنوان کتاب: **فرازهایی از زندگی امیر سرلشگر ناصر حبیبی زهام**

عنوان فروست: **ایثارنامه (مجموعه یادنامه شهدای شاخص خراسان رضوی)**

تهیه و تولید: **معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی**

مجری طرح: **اداره هنری، اسناد و انتشارات بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی**

**گردآوری**

و بازنویسی: **سید محمد آریانزاد**

ویراستار: **سید محمد آریانزاد**

ناظر تولید: **سید مجید حسینی**

مدیر تولید: **حمید دیبانی**

هماهنگی تولید: **سید محمد آریانزاد**

تطبیق اسناد: **طیبه وزیری**

مدیر هنری: **عباس پرچی**

دستیار صفحه‌آرا: **بهناز فهمیده اسکندری**

شمارگان: **۲۰۰۰ نسخه**

ناشر: **نشر ایمانیور**

نوبت چاپ: **اول، بهار ۱۳۹۸**

شابک: **۹۷۸-۶۲۲-۶۶۰۸-۵۹-۶**

قیمت: **۵۰/۰۰۰ ریال «غیر قابل فروش»**

(چاپ و تکثیر این کتاب با ذکر منبع بلامانع است)

کلید مطالب این کتاب بر اساس اطلاعات مرکز اسناد ایثار بنیاد شهید

و امور ایثارگران خراسان رضوی تدوین شده است)

## سخن اول

شهادت، فنا شدن انسان است برای نیل به سرچشمه نور و نزدیک شدن به هستی مطلق. شهادت عشق به وصال محبوب و معشوق در زیباترین شکل است. شهادت نه يك مردن، که يك انتخاب است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (سوره بقره آیه ۱۵۴).

به عبارتی دیگر، شهادت صفتی از «حیات معقول» است؛ زیرا در حیات معمولی، انسان همواره خود و ادامه بی پایان خود را می خواهد؛ لیکن در حیات معقول، فرد آن زندگی پاك از آلودگی ها که خود را در يك مجموعه بزرگی به نام جهان هستی در مسیر تکاملی می بیند که پایانش منطقه جاذبه الهی است؛ لذا شهید همواره زنده است و مرگ او در واقع انتقال از حیات جاری در سطح طبیعت به حیات طیبه پشت پرده آن می باشد. و چنین مرگی است که به تعبیر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شریفترین و بالاترین نوع مردن است (أَشْرَفُ الْمَوْتِ

قَتْلُ الشَّهَادَةِ) و علی ع آن را گرامی ترین نوع مردن می داند. (اَكْرَمُ الْمَوْتِ الْقَتْلُ)

«شهیدان به ما می گویند شما خوف و حزن نداشته باشید. دلسردی و نومیدی نداشته باشید. نعمت الهی را، لطف الهی را، برکات الهی را در مقابل چشم ما نگه میدارند و این آن چیزی است که ما امروز به آن

احتیاج داریم.» (امام خامنه ای رحمته الله علیه ۱۳۹۴/۷/۵)  
 (فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ سوره آل عمران آیه ۱۷۰)

بدیهی است که در این سلوک معقول، تکریم و تعظیم شهیدان، تلاشی مقدس است در برافراشتن پرچم های سرخ استقلال و آزادی بشریت، از یوغ ذلت و اسارت و گام بلندی است در راستای احیای ارزش های مکتب توحید و عدالت؛ زیرا که، «شهادت، مرگ در راه ارزش هاست» و هر شهید، مشعلی است که در بلندای عزت و سرافرازی يك ملت، جاودانه می درخشد.

معاونت فرهنگی و امور اجتماعی

بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی

# ناصر حبیبی زهّام



تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۷/۴ محل تولد: تهران تاریخ شهادت: ۱۳۸۰/۴/۱۹

محل شهادت: عملیات تاکتیکی و آموزشی در شرق کشور گلزار: بهشت زهرا، تهران

آخرین سمت: معاونت عملیات تاکتیکی پایگاه چهاردهم شکاری مشهد

شهید امیرسرلشگر خلبان ناصر حبیبی زُهام، چهارم مهرماه ۱۳۳۴ در تهران متولد شد. پدرش محمد صادق به شغل کفاشی مشغول بود و مادرش فاطمه صاحبی مسؤولیت تربیت و نگهداری ۶ پسر و ۲ دختر را در خانه برعهده داشت.

ناصر دوران کودکی بسیار سختی را سپری کرد. کنار تحصیل به مغازه ی پدر می رفت و در کار کفاشی به او کمک می کرد. در سال ۱۳۵۲ پس از تلاش و زحمات زیادی مؤفق به دریافت دیپلم شد. در نهم اسفند ماه سال ۵۲ استخدام رسمی



نیروی هوایی ارتش در رشته خلبانی گردید. پس از سپری کردن دوره های آموزش مقدماتی، جهت فراگیری فنون پرواز و اخذ مدارک خلبانی با جنگنده های نظامی به آمریکا اعزام شد.

در سال ۱۳۵۵ پس از گذراندن دو سال دوره های تخصصی پرواز موفق به اخذ مدرک خلبانی هواپیماهای جنگی ۴۴ - ۴۵ شد.

سال ۱۳۵۶ با خانم بعیده اسماعیل زاده ازدواج کرد که حاصل ۲۴ سال زندگی مشترک آن ها سه فرزند (یک پسر و دو دختر) می باشد که از او به یادگار مانده اند.

شهید حبیبی طی دوران دفاع مقدس در بالغ بر ۷۰۰ ساعت پرواز درون و برون مرزی، رشادت های بسیار زیادی از خود نشان داد و در عملیات های مختلف هوایی حضوری تأثیر گذار داشت.

شهید حبیبی زهام در طول خدمتش بالغ بر سه هزار ساعت پرواز داشتند.

ایشان در تاریخ نوزدهم تیرماه سال ۸۰ در حالی که سمت معاونت عملیات پایگاه چهاردهم شکاری مشهد را بر عهده داشته و مسؤولیت استادی دسته پروازی شاهین را در منطقه شرق کشور عهده دار بودند، پس از مراجعت در ساعت ۱۰:۴۴، حین انجام عملیات تاکتیکی و آموزش رزمی در مرزهای شرق کشور با هواپیمای جنگی میراژ، دچار سانحه شدند (علت سقوط نقص فنی هواپیما) و در سن ۴۶ سالگی، پس از بالغ بر بیست و هفت سال خدمت در نیروی هوایی ارتش به شهادت رسیدند.

گلزار این شهید عزیز در بهشت زهراى تهران می باشد.

## سوابق خدمتی شهید

### سرتیپ حبیبی

- فرماندهی آموزش های هوایی - شهید خضرای
- پایگاه دوم شکاری تاکتیکی
- پایگاه چهارم شکاری تاکتیکی
- فرماندهی منطقه هوایی مهرآباد
- معاونت عملیات نهاجا - اداری
- فرماندهی منطقه هوایی شیراز
- گردان ۷۱ هواپیمای بمب افکن سبک منطقه هوایی شیراز
- تیپ شکاری منطقه هوایی شیراز
- معاونت عملیات تیپ شکاری منطقه هوایی شیراز
- فرماندهی دانشکده پرواز نهاجا
- پایگاه چهاردهم شکاری
- معاونت عملیات پایگاه چهاردهم شکاری تاکتیکی

شهید حبیبی در اول شهریور ماه ۱۳۷۶ به پایگاه هوایی مشهد مقدس منتقل گردید. آن شهید هشت سال در دفاع مقدس حضور داشت و نشان افتخار و فتح بر سینه او نقش بست. او تعداد مأموریت جنگی و برون مرزی بسیار زیادی داشت و در طول خدمت خود مسؤولیت های مختلفی را بر عهده گرفت، از جمله فرماندهی تیپ آموزشی، فرماندهی دانشکده خلبانی، معاونت عملیات پایگاه چهاردهم شکاری و جانشینی پایگاه نیروی هوایی مشهد. پس از تصمیماتی که در سال ۱۳۸۷ اتخاذ شد، پایگاه نیروی هوایی ارتش به نام شهیدان مزین شد و پایگاه چهاردهم شکاری نیز به پایگاه شکاری «شهید حبیبی» تغییر نام داد.

سرهنگ خلبان ستاد علیرضا نصرا... نژاد، فرمانده پایگاه شکاری شهید

حبیبی (روزنامه خراسان دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۴)

ایشان از مردان بسیار متواضع، خداترس، خدادوست، واقعاً از مردان الهی بودند که به ورزش هم علاقه زیادی داشتند. در پایگاه هوایی مشهد زمین چمنی هست که الان به نام همین شهید حبیبی نام گذاری شده است. در آن موقع تازه تأسیس شده بود. ایشان یک تیم فوتبال تشکیل داده بودند که ما هم به تیم ایشان رفته بودیم و فوتبال بازی می کردیم. به این طریق بچه ها را دور هم جمع می کردند. یک روحیه ورزشکاری، روحیه بسیارمتین و به قول معروف با اخلاق اسلامی داشتند که ما هم بالاخره از اخلاق ایشان، از رفتار ایشان فیض می بردیم.



علی رغم این که در آن موقع ایشان مسؤولیت فرماندهی داشتند، انسانی بسیار خاشع، آدم متواضع، آدم بسیار متین و اخلاق مدار و با اخلاق اسلامی و افتاده و سنگین بودند که ما از این مرام، کردار و رفتار ایشان لذت می بردیم. به همین دلیل همه واقعاً دوستش داشتند. من هم ارادت زیادی به ایشان داشتم.

ستوان یکم نعمت الله بایسته بازنشسته ارتش

(نیروی هوائی)، همکار شهید

ما در خانه های سازمانی پایگاه هوایی زندگی می کردیم. روزی پسرم یک مقداری تب و لرز کرده بود. در آن زمان من وسیله ی نقلیه نداشتم. او را بغل کرده و سرخیابان رفتم تا به بهداری برسانم. در همان موقع شهید حبیبی با خودرو از راه رسید و جلوی ما توقف کرد. با توجه به این که من را هم می شناخت، با هم احوالپرسی کردیم. وقتی دید بچه را روی دوشم انداخته و یک مقداری هراسان هستم، سریع از خودرو پیاده شد. بچه را بغل و به من کمک کرد تا پسرم را داخل خودرو گذاشتیم. به اتفاق او را به بهداری بردیم و بلاخره آن جا مداوا شد.



این خصوصیات و این مرام ها در همه کس وجود ندارد، این ها یک افرادی خاص هستند. افرادی مثل خدایامرز شهید بابایی و شهید ناصر حبیبی زهام. این ها واقعاً خدایی هستند، ما باید قدر این بزرگواران را بدانیم. این ها می بایست الگوسازی بشود. این ها بالاخره احترام دارند. واقعاً هم همین طوری هست.

ستوان یکم نعمت الله بایسته بازنشسته ارتش

(نیروی هوایی)، همکار شهید

شهید حبیبی فرد بسیار آرام، بسیار منضبط، بسیار ساکت، بسیار مؤدب بود. خاطر من هست که ایشان آن موقع دو تا فرزند داشتند. یک دختر خانم با یک آقا پسر. که پسر ایشان یک کم معلولیت داشت. در گذشته‌های دور افسران برای خریدهای خانه از سرباز استفاده می‌کردند. ولی این خدایا مرز شهید حبیبی، با توجه به آن مرام انسانی، اخلاقی و اسلامی که داشت، با همین بچه معلول می‌آمد در صف نانوائی می‌ایستاد و برای خانواده اش نان می‌خرید. این رفتارها همه نشانگر آن است که از نظر کردار و اخلاق بسیار خوب تربیت شده است. این

اعمال و کردار مسالهای مهمی است. این باعث افتخار ما است که در برهه ای از زمان این چنین جوانانی را ما پرورش داده باشیم. جوانانی که در نیروهای مسلح قرار بگیرند و بخواهند از تمامیت ارضی کشور اسلامی دفاع کنند، از ملت شریف دفاع کنند، از انقلاب دفاع بکنند، از دیانت شان دفاع کنند، اینها همه از برکات انقلاب اسلامی است.

ستوان یکم نعمت الله بایسته بازنشسته ارتش

(نیروی هوایی)، همکار شهید

من افتخار این را داشتم که به مدت سی سال در نیروی هوایی خدمت کنم. در طی این مدت با توجه به شرایط تخصصی ام با خلبانان ارتباطی تنگاتنگ داشته و از نزدیک با روحیات خلبانان آشنا بودم.

خلبانان بسیار انسان های والا، متین، باسواد، با شخصیت هستند. البته باید هم همین طوری باشند. چون آنها باید از هوش، ذکاوت، سرعت عکس العمل و سواد علمی بسیار بالایی برخوردار باشند تا بتوانند علم هوانوردی و تکنیک خلبانی را یاد بگیرند و بتوانند هواپیما را هدایت کنند و در مأموریت هوایی از صفر تا صد، به نحو احسن

انجام وظیفه کنند. این است که من از نزدیک با اکثر خلبانان آشنا بودم.

تصور ذهنی من از این شهید والا مقام و یا سایر خلبانان این است که آن‌ها چون اوج می گیرند، بالا می روند، می توان گفت تقریباً به خدا نزدیک می شوند، اکثراً از یک مرام و مقام و از یک افتادگی و از یک متانت بسیار بالایی برخوردار هستند. چون از زمین کنده می شوند، بالا می روند، اوج می گیرند. وقتی که این‌ها اوج بگیرند، یک خرده ای می توان گفت خدایی می شوند. این را من از زبان خیلی‌ها شنیدم و تصور ذهنی من هم این است.

مقام شهید حبیبی عزیز ما هم به همین شکل بود. واقعاً از یک اخلاق خداپسندانه ای، از یک اخلاق اسلامی، برخوردار بود. می شود گفت که بسیار متواضع و فروتن بودند. هر چه من بگویم کم گفته ام. فردی بسیار بافضیلت، با اخلاق، با مرام، با کردار بود. به همین دلیل همه دوستش

داشتند. با وجودی که می‌توانست مثل بعضی از آدم‌ها وقتی به یک مقامی می‌رسند، بگویند بله ما یک دفعه صاحب قدرتی، مالک یک میزی و یک صندلی و از این قبیل مسایل شده ایم. اما این عزیزان اهل چنین کارها و تصوراتی نبودند. این بنده خدا اصلاً توی این مسایل نبود.

ستوان یکم نعمت الله بایسته بازنشسته ارتش

(نیروی هوایی)، همکار شهید

مطلب مهمی به نقل از خانواده شهید عرض کنم و آن این است که در چندین سال پیش قطعه زمینی در جاده شاندیز توسط نیروی هوایی برای مسکن پرسنل زحمت کش این نیرو خریداری شد که هم اکنون به نام مجتمع پرستو نام گذاری شده است. خدایا مرز شهید خلبان ناصر حبیبی زهام هم یک قطعه از این زمین ها دارد. این اواخر من متوجه شدم که همسر ایشان این زمین را هدیه کرده در آن جا به نام ایشان بنای یادبودی ثبت شود. فرض بفرمایید مثل

مدرسه باشد یا مهد کودک باشد یا زینبیه باشد  
یک همچنین مساله ای را گویا پیشنهاد داده اند.  
برای یک کار فرهنگی مذهبی بنایی ساخته شود.  
می خواهند که در راه خیر و در راه مکتب اسلام  
خرج شود.

ستوان یکم نعمت الله بایسته بازنشسته ارتش

(نیروی هوایی)، همکار شهید



ناصر شخصیت خاصی داشت. خیلی با معرفت، با محبت، دل سوز و از همه نظریک مرد به تمام معنا و بارز بود.

مردی ساده و بی تعارف و تحت هیچ شرایطی محال بود از او دروغ بشنوید. او عاشق راست گویی و صداقت بود.

حمید حبیبی زهام، برادر شهید

تا سال ۷۷ در مشهد گروه پدافند هوایی مستقرو پایگاه شکاری نبود. پس از آن بخاطر حضور نیروهای طالبان در نزدیکی مرزهای ما که گاهی هم به داخل کشور تجاوز می کردند، به دستور مقام معظم رهبری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ سال ۷۷ پایگاه مشهد به پایگاه چهاردهم شکاری تبدیل و هواپیماهای جنگنده اف پنج های دزفول و تبریز در این جا مستقر شدند.

شهید حبیبی سال ۷۸ به مشهد منتقل و رئیس عملیات شدند. آن موقع درجه سرهنگ تمام بودند و سپس در این جا به درجه سرتیپ دومی نایل گردید و با درجه سرتیپی به شهادت رسید.

ایشان خلبان جنگنده اف پنج بودند. شهید حبیبی در زمان جنگ یکی از فعال ترین و یکی از عملی ترین خلبان های نیروی هوایی بود. در دوران دفاع مقدس پایگاه هوایی تبریز و دزفول خدمت می کرد. یکی از خلبان های خوب و شجاع اف پنج بود. خدا رحمتش کند.

سرهنگ بازنشسته ارتش بررسی پور، هم رزم شهید

در زمانی که عراق به کویت حمله کرد، عربستان و دیگر نیروهای ناتو علیه عراق وارد عمل شدند و عراقی‌ها هم هواپیماهایشان را به خاطر این که بهترین گزینه ایران بود فراری داده و به پایگاه هوایی همدان آوردند. از جمله هواپیماهایی که آن جا بود جنگنده های میراژ ساخت کشور فرانسه بود.

در ایران هیچ خلبانی دوره فنی تخصصی پرواز با این هواپیماها را ندیده بود و کسی آشنایی با آن‌ها نداشت. اما شهید حبیبی و تیمسار سرتیپ خلبان بهروز نقدی بیگ که خلبان ۴F بود اولین

کسانی بودند که توانستند با این جنگنده ها پرواز کنند.

من برج مراقبت در شیفت بودم و کار می کردم. در آن روز برای اولین بار این دو خلبان با جنگده های میراژ پرواز آزمایش داشتند. حدود نیم ساعت در هوا پرواز کردند و آمدند نشستند. از آن به بعد استاد خلبان های این هواپیما این دو نفر شدند. خیلی جسارت، شجاعت و مهارت می خواهد که برای اولین بار جنگنده ای را بدون آموزش و آشنایی با تخصص های آن به پرواز در بیاورید. این دو بزرگوار قادر به این کار شدند و از آن پس مسؤولیت استاد خلبانی هواپیمای میراژ F یک به این دو نفر واگذار گردید.

سرهنگ بازنشسته ارتش برسی پور، هم رزم شهید

در روز حادثه سقوط هواپیمای شهید حبیبی من در شیف‌ت کاری نبودم اما از بچه‌های برج مراقبت شنیدم که برای آموزش دو فروندی شاگرد برده بود. پس از انجام آموزش شاگردش ( سرتیپ خلبان محمد قلی زادگان ) را می‌آورد می‌نشانند بعد از آن هواپیمایش دچار نقص فنی می‌شود. به او می‌گویند ایجکت<sup>۱</sup> کن! بیرون پیر! وقتی که از هواپیما بیرون می‌پرد، هواپیمایش داخل باغ امام رضا (علیه السلام) میدان بوعلی سقوط می‌کند. قبل از سقوط هواپیما خودش هم ایجکت کرده و به بیرون پرتاب می‌شود.

۱. صندلی پرتاب شونده هواپیماهای نظامی برای خروج اضطراری خلبان

وقتی خلبان می خواهد ایجت کند. فشار بسیار زیادی به او وارد می شود. و با شتاب زیادی خلبان با صندلی که روی آن نشسته به بیرون از کابین هواپیما پرتاب می شود.<sup>۱</sup> زیر صندلی خلبان سه تا موشک است که با کشیدن اهرم مخصوص پرش، موشک ها بلافاصله فعال و صندلی خلبان را به بیرون پرتاب می کند. در چنین شرایطی بر اثر فشار وارد شده تا مدتی خلبان گیج می شود.

هواپیمای شهید حبیبی به دلیل این که در ارتفاع پایین پرواز می کرده پس از خروج صندلی از او جدا نشده و فرصت آزاد کردن چتر نجات برایش فراهم نشده بود و به همین دلیل با صندلی سقوط کرده و به شهادت می رسد.

### سرهنگ بازنشسته ارتش بررسی پور، هم رزم شهید

۱. در مدت ۱/۸ ثانیه به ارتفاعی بالغ بر ۱۰۰ متر پرتاب می شود

تمام دوستانی که با شهید حبیبی خدمت کردند معترف هستند که ایشان واقعاً آدم خیلی خوش اخلاق و خیلی خوبی بود. از نظر تخصصی و شغلی هم که ماشا... در دوران جنگ هفتصد ساعت پرواز برون مرزی داشته است. یعنی با جنگنده اف پنج به داخل خاک عراق پرواز و عملیات انجام داده است. در دوران دفاع مقدس ایشان یکی از خلبان های بسیار فعال و پرتلاشی بودند.



در گذشته پایگاه نیروی هوایی در مشهد «چهاردهم شکاری امام رضا علیه السلام نام داشت و از سال ۱۳۸۷ تصمیم گرفته شد به "شهید حبیبی" نام گذاری شود تا یاد و نام شهیدان خلبان همواره برای کارکنان نیروهای هوایی ارتش به عنوان الگو و سرمشق، تکرار شود. شهید حبیبی اهل تهران بود اما سال‌ها در پایگاه هوایی مشهد مقدس خدمت کرد. آن شهید هشت سال در دفاع مقدس حضور داشت و نشان افتخار و فتح بر سینه او نقش بست.

او تعداد ماموریت جنگی و برون مرزی بسیار زیادی داشت و در طول خدمت خود مسؤولیت‌های مختلفی را بر عهده گرفت، از جمله فرماندهی تیپ آموزشی، فرماندهی دانشکده خلبانی، معاونت عملیات پایگاه چهاردهم شکاری و جانشینی پایگاه نیروی هوایی مشهد.

سرلشکر ناصر حبیبی در سال ۱۳۸۰ در یک عملیات پروازی شهید شد و پس از تصمیماتی که در سال ۱۳۸۷ اتخاذ شد، پایگاه‌های نیروی هوایی ارتش به نام شهیدان مزین شد و پایگاه چهاردهم شکاری نیز به پایگاه شکاری «شهید حبیبی» تغییر نام داد.<sup>۱</sup>

ایشان فرزند معلولی داشت که دائم همراهش بود.

۱. روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان / دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۴ / سرهنگ خلبان ستاد «علیرضا نصرا... نژاد» فرمانده پایگاه شکاری شهید حبیبی



با او می‌آمد و از فروشگاه همین پایگاه هوایی که الان به نام خدایامرز شهید ناصر حبیبی زهام گذاشته شده، خرید می‌کرد. نانوايي می‌آمد. با پسرش درصاف نانوايي می‌ایستاد.

این‌ها به آن مرام و کردار و رفتاری ایشان بر می‌گردد. آن اخلاق‌های حسنه و اسلامی که در اشخاص از پایه به وجود آمده است.

خصوصیات‌های انسانی که یک شبه ایجاد نشده است. به همین دلایل ما خاطرات خیلی خوبی از این بنده خدا داریم.

ستوان یکم نعمت‌الله بایسته بازنشسته ارتش

(نیروی هوایی)، همکار شهید

## خالص و مخلص

درمورد خصوصیات اخلاقی ایشان باید عرض کنم که در ارتش یک سلسله مراتبی هست. بلاخره یک سری مسایل نظامی گری و ترفیع درجات و ارجعیت وجود دارد. درب اتاق ایشان به روی همه باز بود. رعایت مسایل امنیتی و حفاظتی که در ارتش خیلی وجود دارد مانع از این نبود که ایشان ارباب رجوع و یا کسی که حالا درجه های پایین تری دارد یا مشکلی دارد را تحویل نگیرد! چه در محل کارپشت میز و چه در موقعی که در مسیر راه می رفتند. اگر احساس می کردند که یک نفری یک سربازی، اگر درجه داری، مثلاً یک خواسته ای یا یک نیازی دارد، ایشان متوقف

می شدند. می ایستادند یا ماشینشان را متوقف می کردند. گوش می دادند که ببینند این فرد خواسته اش چی هست؟ تا آن جا که برایشان مقدور بود، خالصاً و مخلصاً دنبالش می رفت و واقعاً آن کار را انجام می داد.

من کارهای ایشان را دیده بودم نه این که بگویم شنیدم. خودم این مسایل را دیده ام. من با ایشان تنگاتنگ ارتباط داشتم و از نزدیک با او دوست بودم. به خاطران مرام، اخلاق، کردارش کنارش حضور داشتم. نه بخاطر این که مثلاً درجه اش بالا بوده است. به واسطه همان اخلاق حسنه، معرفت، افتاده بودن، سنگین بودن، متین بودن او بود. ایشان سواد الهی داشت. ما از مرام ایشان، از اخلاق و گفتار ایشان کسب فیض می کردیم.

ستوان یکم نعمت الله بایسته بازنشسته ارتش

(نیروی هوایی)، همکار شهید

در روز حادثه سقوط هواپیمای شهید حبیبی من در پایگاه بودم. آن طور که کارشناسان و همکاران می‌گفتند: در زمان دور زدن از طرف منطقه چناران، شهید متوجه می‌شود که هواپیمایش دچار نقص فنی شده و امکان هدایت و رسیدن به پایگاه را ندارد. ایشان نگران آن بودند که مبادا هواپیما به ساختمان های مسکونی داخل شهر بخورد. بعد از فردوسی در همان محدوده بلوار شهید فهمیده طوری هواپیمایش راهدایت می‌کند که مبادا به ساختمان های مرتفع مسکونی ویا پمپ بنزین آن اطراف اصابت کند. در آن زمان اصلاً به فکر نجات خودش نبود. می‌دانست که اگر در منطقه مسکونی سقوط کند چه فاجعه انسانی پیش می‌آید.

تجزیه و تحلیل کارشناسان آن بود که شهید حبیبی تمام نگرانی و فکرش جلوگیری از بروز فاجعه بود. از روی تجربیاتی که داشت هواپیما را به سمت باغ بزرگ آستان قدس در نزدیکی میدان شهید فهمیده هدایت کرد. در آن زمان اقدام به خروج اضطراری (ایجکت) می‌کند. به دلیل جا نشدن از صندلی چترش باز نمیشود و به زمین سقوط می‌کند. ما اولین نفرات بودیم که به محل حادثه رفتیم. منتهی دو گروه شدیم، یک گروهی رفتند که شهید حبیبی را خیلی سریع از آن جا به پایگاه منتقل کردند یک گروه دیگر هم ماها بودیم که به باغ آستان قدس رفتیم محلی که هواپیما افتاده بود. ما از نزدیک هواپیما را مشاهده کردیم.

ستوان یکم نعمت الله بایسته بازنشسته ارتش

(نیروی هوایی)، همکار شهید



شهید حبیبی در حادثه سقوط جنگنده از خود گذشتگی و جانثاری را به همه نشان داد. در حالی که می توانست در ارتفاع بالاتر از هواپیما خارج شود و جانش را نجات دهد اما با درایت و ایثار و مهارت و تخصصی که داشت هواپیما را به منطقه غیر مسکونی هدایت و سپس اقدام به خروج می کند. با این کار محل سقوط باغی است که تنها چند درخت و شاخه های آن شکست اما به غیر از آن شهید بزرگوار، کسی صدمه ندید. خود را فدا کرد تا هم وطنانش آسیب نینند. این یک ایثار واقعی است.

ستوان یکم نعمت الله بایسته بازنشسته ارتش

(نیروی هوایی)، همکار شهید

اگر شهید حیبی می‌دیدند یکی از نیروهایش خطایی و یا اشتباهی مرتکب شده است، سعی می‌کردند که با خلوص نیت یا با افتادگی، با خشوع، با اخلاق اسلامی، با برخورد اسلامی ایشان را هدایت کنند. به تعبیری می‌شود گفت نصیحت و هدایت می‌کردند. ولی از جهت این‌که مثلاً از بُعد نظامی خشونت‌ی به خرج بدهند اصلاً اهل این رفتارها نبودند. هم‌چنین چیزی را در ایشان ندیدم. اصلاً سراغ نداشتم. بخاطر آن اخلاق و مرام و کرداری که داشت همه را مجذوب می‌کرد. ایشان همه را مجذوب رفتارهای خوبش می‌کردند.

ستوان یکم نعمت الله بایسته بازنشسته ارتش

(نیروی هوائی)، همکار شهید